اول نبد که قوم سبا بود نداد آن بند ویران شد و سیل آمد
و شهرهای ایشان را خراب ساخت و ذم اسم بیابانی است که سیل
دران بیابان آمد سیوم منع سختی یعنی سیل که موجب سختی
شده آن قوم شد چهارم موشی که بفرمان خدای تعالی سوراخ
در آن بند انداخت و آب از آنجا روان شد و آن بند را
ویران ساخت و او سبب کفران نعمت خداوندی آن قوم را
آب هلاک کردانید الثانی بر باران شدن آن سال قحط
بدعای آنحضرت صلی الله علیه وسلم بسبب ابری که بوجه بارید تا آنکه
لکن بر دیگر رود خانها الا بسبب آن عارض که ابر است بارید لکن
آن عارض که بر تقدیر الکه عارض ضمیر عاید کرده باشد آنجا را از
دریا با سیل نامی از عرم یکی از چهار معنی در تفسیر ته کرفته را
یافته دران هنگامیکه شکایت کرده اند نزد مال الطیبی
مارا از جای خود برد آب گفتند رسول علیه السلام بار از که بر تلها
و کوهها باران و اهتدا علم و عنی و وصفی آیات لها ظهرت : ظهور نار القری
لیلا علی علم ۲ فع امریست مبنی بر کار آتش و فی مفعول آن اظهرت

ووصفی

ووصفی مفعول مه و آیات مفعول وصف جمع آیة است بمعنی
علامت و له متعلق است بغایب مقدر که صفت آیات است و ضمیر
عاید است برسول علیه السلام ظهرت فعل ماضی و فاعل مستتر عاید بآیات
و ظهور منصوب است بمصدریت و نار آتش قری مهمانی است لیلا ظرف
علی علم متعلق است بظهور المعنی بکذار مرا تا وصف کردن آیاتی را
که ثابت است برسول علیه السلام که ظاهرست آن آیات همچون ظهور
آتش مهمان در شب بر کوهی که نام آن کوه علم است و این کنایت از کمال
ظهور این آیات است زیرا که آتش مهمان بران کوه بلند در غایت
ظهور است کویند اسخیای عرب برای صلای مهمان آتش افروزند
بر بلندی تا همه حاضر آیند ۴ فالدر یزداد حسنا وهو منتظم ولیس
ینقص قدرا غیر منتظم ۳ فا از برای سببست در مروارید بزرگ
را کویند حسنا تمیزست از نسبت یزداد یعنی یزداد حسنه و هو
منتظم جمله حالیه است از فاعل یزداد و انتظام ترتیب مناسبت
و لیس عطف است بر یزداد و ضمیر مستتر در لیست اوست اسم او
و ینقص خبر او و قدرا تمیزست از نسبت ینقص الی بعض قدره و غیر منتظم

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)